

Economic elements of the quality of civil proceedings with emphasis on jurisprudential sources

Mohammad Javad Rouhian¹, Mahmoud Qayyumzadeh^{2*}, Seyed Ebrahim Hosseini³

1. PhD Student in Private Law, Department of Private Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
2. Full Professor of the Department of Law, Faculty of Humanities, Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
3. Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Law Department, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-21

Article history:

Received: 26 Sep 2021

Edition: 7 Dec 2021

Accepted: 16 Feb 2022

Published online: 25 Jun 2022

Keywords:

Quality of Civil Proceedings, Jurisprudence, Court Costs, Fair Trial

Corresponding Author:

Mahmoud Qayyumzadeh

Address:

Faculty of Humanities, Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-1811-8616

Tel:

086-42433342-9

Email:

Maarefteacher@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The discussion of the quality of civil proceedings is one of the most important and, of course, somewhat neglected issues in civil proceedings, which is based on three elements: fair trial, reduction of procrastination and reduction of court costs. In this article, an attempt has been made to explain and analyze the economic elements of the quality of civil proceedings with emphasis on jurisprudential sources.

Materials and Methods: This is a leading descriptive-analytical article using a library method.

Ethical considerations: In different stages of writing the article, ethical and scientific principles have been observed, including the scientific and accurate use of scientific resources.

Results: The findings indicate that the principle of rationality and standardization of court costs is the principle of transferability of the most important principles and components governing the costs of civil proceedings, which has an important impact on the quality of proceedings and the realization of a fair trial. There is also a consensus among the jurists about the prohibition of paying court fees, and the only difference of opinion is about the judge's subsistence from treasury. The jurists' approach to litigation costs in order to strengthen the quality of civil litigation can be evaluated.

Conclusion: It is necessary that there is a reasonable and normal agreement between the costs of the proceedings incurred and the value obtained from the proceedings. To achieve this, addressing the principle of proportionality is a clear example of a fair trial and it is necessary to identify the dimensions of this principle.

Cite this article as:

Rouhian MJ, Qayyumzadeh M, Hosseini SE. Economic elements of the quality of civil proceedings with emphasis on jurisprudential sources. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(2):1-21.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

عناصر اقتصادی کیفیت دادرسی مدنی با تأکید بر منابع فقهی

محمد جواد روحیان^۱، محمود قیومزاده^۲، سید ابراهیم حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۲. استاد گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۳. استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی (ره)، گروه حقوق، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کیفیت دادرسی مدنی از موضوعات مهم و البته تاحدی مغفول در دادرسی مدنی است که مبتنی بر سه عنصر، دادرسی عادلانه، کاهش اطلاع دادرسی و کاهش هزینه‌های دادرسی می‌باشد. در این مقاله تلاش شده عناصر اقتصادی کیفیت دادرسی مدنی با تأکید بر منابع فقهی تبیین و تحلیل گردد. **مواد و روش‌ها:** مقاله پیش‌رو توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی از جمله بهره‌گیری علمی و دقیق از منابع علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که اصل عقلایی و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی، اصل انتقال‌پذیری مهمترین اصول و مؤلفه‌های حاکم بر هزینه‌های دادرسی مدنی است که تأثیر مهمی بر کیفیت دادرسی و تحقق دادرسی عادلانه دارد. در بین فقها نیز در خصوص حرام بودن پرداخت هزینه دادرسی اجماع وجود داشته و تنها اختلاف نظر در خصوص ارتزاق قاضی از بیت‌المال است. رویکرد فقها در خصوص هزینه‌های دادرسی در راستای تقویت کیفیت دادرسی مدنی قابل ارزیابی است.

نتیجه: ضروری است میان هزینه‌های دادرسی متحمله و ارزش به دست آمده از دادرسی، همخوانی معقول و متعارفی وجود داشته باشد. جهت نیل به این منظور پرداختن به اصل تناسب مصداق بارزی از دادرسی عادلانه می‌باشد و شناسایی ابعاد این اصل ضروری می‌نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱-۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

واژگان کلیدی:

کیفیت دادرسی مدنی، فقه، هزینه دادرسی، دادرسی عادلانه.

نویسنده مسوول:

محمود قیومزاده

آدرس پستی:

ایران، ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی.

تلفن:

۰۸۶-۴۲۴۳۳۳۴۲-۹

کد ارکید:

0000-0003-1811-8616

پست الکترونیک:

Maarefteacher@yahoo.com

۱. مقدمه

کیفیت دادرسی در ادبیات داخلی بیشتر با رویکرد سلبی از قبیل اطاله دادرسی، هم در رویه قضایی و هم دکترین حقوقی، مورد توجه قرار گرفته است (افشارنیا و حجت، ۱۳۸۹، ۱۵). اما کیفیت دادرسی مفهومی فراتر از عدم اطاله دادرسی است. آیین دادرسی مدنی مانند تمامی علوم دیگر یقیناً بر پایه‌ی اصولی استوار گردیده است اگرچه گاه نمی‌توان اصول این علم را به موارد قابل شمارشی محدود کرد اما سه رکن اصلی و مهم را می‌توان برای تشکیل آن برشمرد. عدالت مدنی هنگامی می‌تواند مدعی کارایی باشد که سه اصل صحت آراء دادرسی، هزینه‌ی دادرسی و زمان دادرسی را همگام و هم‌زمان با هم دارا باشد و فقدان یکی از این اصول یا عدم هماهنگی بین آن‌ها می‌تواند سبب تضعیف این نهاد مهم گردد. علاوه بر آن «مفهوم تناسب که اولین بار در آثار ارسطو پدیدار شد و به عنوان یکی از اصول حقوقی، رسماً سابقه‌ای کمتر از شصت سال در حقوق دارد، در آیین دادرسی مدنی متضمن ایجاد هماهنگی و تعادل میان نهادهای حقوقی، اقتصادی و... مطرح در جریان دادرسی مدنی برای رسیدن به دادرسی عادلانه است» (پوراستاد و سعادت، ۱۳۹۶، ۸۷-۵۹). مفهوم کیفیت دادرسی و کارایی دادرسی از مفاهیم تحلیل اقتصادی حقوق است. کارایی دادرسی در ادبیات بین‌الملل معمولاً در قالب مفاهیمی همچون دادرسی معقول و متعارف، دادرسی سریع، همکاری حداکثری طرفین دعوی با هم و با نهاد رسیدگی‌کننده در جریان دادرسی،

رد و بدل شدن اطلاعات و غیره مورد توجه قرار گرفته است (کریستوفر، ۲۰۰۲، ۳). تمرکز مقاله حاضر بر بحث هزینه‌های دادرسی در کیفیت آیین دادرسی مدنی است. در تحقق عدالت مدنی هزینه دادرسی به طور مستقیم بر دو رکن دیگر یعنی زمان دادرسی و صحت آراء تأثیر مستقیم دارد چنانچه به طور خلاصه هرچه هزینه دادرسی کمتر باشد و یا امکان بازگشت هزینه‌ی دادرسی به فردی که اقامه دعوا نموده قطعی‌تر باشد، تعداد دعاوی اقامه شده بیشتر می‌گردد. ضرورت پرداخت هزینه دادرسی برای طرح دعوی، در مباحث نظری، دارای موافقین و مخالفینی است. از جمله، در توجیه لزوم آن، به توسعه داوری (خدابخشی، ۱۳۹۲، ۱۰۴). و یا منع از طرح دعاوی واهی (متین دفتری، ۱۳۸۸ الف، ۳۳۱) اشاره شده است. مخالفین، ضمن اشاره به وجود اصل رایگان بودن دادگستری در برخی نظام‌های حقوقی از جمله فرانسه (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶، ۲۸۷). معتقدند در قضای اسلامی، دادرسی رایگان است (زراعت، ۱۳۸۹، ۹۶۹؛ مهاجری، ۱۳۹۱، ۳۴۸). با این حال، در نظام حقوقی فعلی ایران، دادخواهی و احقاق حق، علی‌الاصول مستلزم پرداخت هزینه است (ماده ۵۰۲ و ۵۱۹ ق.آ.د.م) به گونه‌ای که بند ۱ ماده ۵۳ قانون اخیرالذکر، عدم تأدیه هزینه دادرسی یا ناقص بودن آن را از موجبات نقص دادخواست شمرده است. سؤال اساسی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته، این است که اصول حاکم بر هزینه‌های دادرسی به عنوان عنصر اقتصادی کیفیت دادرسی مدنی چیست و رویکرد فقه در این خصوص چگونه

است؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که: «اصل هزینه‌های معقول و متعارف مهم‌ترین مؤلفه مهم عنصر اقتصادی کیفیت دادرسی مدنی است که در فقه نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در راستای بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا بحث نظر مطرح شده، در ادامه از مؤلفه‌های اقتصادی کیفیت دادرسی مدنی بحث شده و در نهایت به رویکرد فقه در این خصوص پرداخته شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله پیش‌رو توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی از جمله بهره‌گیری علمی و دقیق از منابع علمی رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که اصل عقلایی و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی، اصل انتقال‌پذیری مهم‌ترین اصول و مؤلفه‌های حاکم بر هزینه‌های دادرسی مدنی است که تأثیر مهمی بر کیفیت دادرسی و تحقق دادرسی عادلانه دارد. در بین فقها نیز در خصوص حرام بودن پرداخت هزینه دادرسی اجماع وجود داشته و تنها اختلاف‌نظر در خصوص ارتزاق قاضی از بیت‌المال است. رویکرد

فقها در خصوص هزینه‌های دادرسی در راستای تقویت کیفیت دادرسی مدنی قابل ارزیابی است.

۵. بحث

۵-۱. بحث نظری

کیفیت دادرسی، از جمله تضمین‌های بنیادین سیستم عدالت مدنی است. این کیفیت و کارایی به عواملی همچون معقول و متعارف بودن زمان، دقت در صحت آراء و متناسب بودن هزینه‌های دادرسی وابستگی تام دارد و از سوی دیگر بهینگی و مطلوبیت دادخواهی ارتباط تنگاتنگی با روش‌های دادرسی و حجم دعاوی دارند. روند دادخواهی از منطق اقتصادی برخوردار است و افراد بر اساس فرض عقلانیت اقتصادی رفتار می‌کنند و به منظور دستیابی به منافع بیشتر دست به انتخاب زده و گاه اقامه دعوا در دادگاه را پذیرفته و گاه به صلح و سازش بدون رجوع به دادگاه را برمی‌گزینند. کیفیت دادرسی با تأکید بر سازماندهی کارکرد اجتماعی دادرسی، انگیزه خصوصی طرفین به دنبال عدالت اقتصادی در کنار عدالت مدنی است. از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت مدنی و دستگاه قضایی، اطاله دادرسی و هزینه‌های طرح دعوا تا ختم آن است. طبیعی می‌نماید که آسیب‌های برشمرده، فلسفه دادرسی را متأثر نموده و به لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌نماید. مفهوم کیفیت دادرسی، که از مفاهیم اقتصاد حقوق است، تأکید بر کارایی دادرسی دارد. از جمله عناصر کیفیت دادرسی، هزینه‌های دادرسی است که در صورت توجه به این عنصر در

سیاست‌گذاری‌های راجع به رهیافت‌های بهبود و ارتقای کیفیت دادرسی می‌توان به صرفه‌جویی و درونی کردن هزینه‌های دادخواهی دست یازید. هزینه را در لغت به معنای مالی که برای بردن سودی مصرف می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۷۶۲)؛ خرج (معین، ۱۳۸۸، ۱۰۵۳)؛ و آنچه در ازای رسیدن به مطلوبی تحمل می‌شود یا از دست می‌رود (عمید، ۱۳۶۹، ۱۲۶۲) دانسته‌اند که این معنا، فی‌نفسه، موضوعی از علم اقتصاد است. برای شناخت مفهوم ترکیبی «هزینه دادرسی مدنی» که واجد صبغه حقوقی خواهد بود، ضروری است با توجه به اختلاف دیدگاه‌های موجود، انواع آن را، در کنار بررسی مفاهیم مشابه، مورد بررسی قرار دهیم. برخی حقوقدانان با استفاده از تعبیر «هزینه دادگستری» گفته‌اند: «هزینه دادگستری، مخارجی است که محکوم‌له برای طرح و تعقیب دعوا، طی دادرسی پرداخته و پس از صدور حکم می‌تواند آن را از محکوم‌علیه بگیرد. هزینه دادگستری، اعم است و شامل هزینه دادرسی و دیگر هزینه‌ها مانند هزینه معاینه محل و دستمزد کارشناس و غیره می‌گردد» (صدرزاده افشار، ۱۳۸۰، ۳۷۰) چنانکه برخی دیگر نیز هزینه دادگستری را به چهار عنوان هزینه دادرسی، هزینه دفتر، حق‌الوکاله و هزینه مسافرت وکلا، و سایر هزینه‌ها (شامل هزینه

تحقیقات و معاینه محلی و حق‌الزحمه مصدقین و کارشناسان و هزینه تلگراف و پست و طبع اعلانات منقسم نموده‌اند (متین دفتری، ۱۳۸۸ ب، ۳۳). برخی حقوقدانان نیز با استناد به ماده ۵۱۹ ق.آ.د.م.^۱ معتقدند: «خسارت دادرسی اعم از هزینه دادرسی و سایر هزینه‌هایی است که یکی از طرفین دعوا در جریان دادرسی متحمل شده است. به عبارت دیگر، هزینه دادرسی، قسمتی از خسارات دادرسی محسوب می‌شود» (ابهری، ۱۳۹۳، ۲۱۰). که قابلیت مطالبه از بازنده مقصر دعوی را خواهد داشت (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م). این روابط را که به لحاظ منطقی، در میان نسب اربعه، باید در قالب «عموم و خصوص مطلق» جای داد؛ به این معنا که، «هر هزینه دادرسی، هزینه دادگستری و خسارت دادرسی است؛ اما هر هزینه دادگستری و خسارت دادرسی، هزینه دادرسی نیست»، نمی‌توان نادرست تلقی کرد، زیرا ماهیت آن‌ها دو گونه است. وجوه پرداختی به خزانه عمومی کشور از آن جهت که برای شروع یا ادامه دادرسی ضروری است، عنوان «هزینه دادرسی» خواهد یافت (ماده ۵۰۲ ق.آ.د.م)^۲ و از آن جهت که محکوم‌علیه مقصر با انکار یا تضییع حق محکوم‌له، اسباب آن را فراهم نموده، عنوان «خسارت دادرسی» می‌یابد که البته مفهوم خسارات دادرسی همه هزینه‌های

کلیت و شمول یکی از آن‌ها به‌طور مطلق بیش از دیگری باشد، یعنی هم بر آن و هم بر غیر آن صدق نماید مانند انسان و حیوان (مظفر، ۱۳۸۶، ۱۱۲؛ خوانساری، ۱۳۸۶، ۱۰۱). - ماده ۵۰۲ ق.آ.د.م مقرر داشته است: «هزینه دادرسی عبارت است از: ۱- هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود، ۲- هزینه قرارها و احکام دادگاه».

^۱ ماده ۵۱۹ ق.آ.د.م: «خسارات دادرسی عبارتست از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق‌الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی»

^۲ بین دو کلی زمانی رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق حاکم است که تنها یکی از آن‌ها بر تمام افراد دیگری صادق باشد. به تعبیری دیگر،

دادگستری متحمل شده محکوم‌له دعوی مدنی از بدو تا انتهای دادرسی، جهت شروع یا ادامه شایسته آن را که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است (ماده ۵۱۹ ق.آ.د.م) دربر خواهد گرفت.

قانون آیین دادرسی مدنی هزینه دادرسی را تعریف نکرده و تنها در ماده ۵۰۲ (۶۸۱ سابق) به تعیین موارد آن (۱- هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود؛ ۲- هزینه قرارها و احکام اکتفا کرده است. می‌توان گفت «هزینه دادرسی عبارت است از هزینه‌ای که خواهان برای ورود به دعوا و شروع رسیدگی باید به دولت بپردازد.» عده‌ای معتقد به مجانی بودن دادرسی هستند، بدین استدلال که دادخواهی از حقوق مسلم افراد است (اصل سی و چهارم قانون اساسی) و دولت مکلف است در ازای دریافت مالیات، تسهیلات لازم برای احقاق حق را فراهم کند. از طرف دیگر وضع مالیات برای دادرسی مانع از تظلم و دادخواهی افراد بی‌بضاعت می‌شود. در مقابل مخالفین، مجانی بودن مطلق دادرسی را سبب طرح دعاوی بی‌اساس در محاکم و تضییع وقت دادرسان می‌دانند. این است که در هیچ کشوری معافیت مطلق از هزینه دادرسی پذیرفته نشده است (احمدی، ۱۳۷۷، ۴۳۳). ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ میزان و مبلغ هزینه‌های دادرسی را مشخص کرده است.

«هزینه دادرسی» عبارت است از هزینه‌هایی که بابت صدور حکم یا قرار به هنگام تقدیم دادخواست از سوی خواهان بایستی پرداخت گردد. مقنن در

ماده (۵۰۲) قانون آیین دادرسی مدنی اشعار می‌دارد: «هزینه دادرسی عبارت است از: ۱. هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود. ۲. هزینه قرارها و احکام دادگاه و در ماده (۵۰۳) همان قانون مقرر کرده: هزینه دادخواست کتبی یا شفاهی اعم از دادخواست بدوی و اعتراض به حکم غیابی و متقابل و ورود و جلب ثالث و دادخواست تجدیدنظر و فرجام و اعاده دادرسی و هزینه وکالت‌نامه و برگ‌های اجرایی و غیره همان است که در ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و یا سایر قوانین تعیین شده است که به صورت الصاق و ابطال تمبر یا واریز وجه به حساب خزانه پرداخت می‌گردد» که به استناد بند (۱۲) از ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ هزینه دادرسی تعیین و بر اساس آن خواهان هنگام تقدیم دادخواست بایستی به میزان خواسته تمبر ابطال و الصاق نماید.

۵-۲. مؤلفه‌های عنصر اقتصادی کیفیت آیین

دادرسی مدنی

در اینکه آیا می‌توان از اصلی به نام رایگان بودن خدمات عمومی به عنوان یکی از اصول حاکم بر آن‌ها سخن راند یا خیر، تردید وجود دارد چرا که برخی حتی کوچکترین اشاره‌ای به آن نکرده‌اند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۸، ۲۳۹). و برخی نیز ضمن اشاره به مناقشه موجود در این باره، معتقدند که رایگان بودن خدمات عمومی در زمانی که دولت، دولتی حداقلی و شمار وظایف و تکالیف آن

نسبت به جامعه اندک بود و خدمات ارائه شده توسط دولت جنبه فردی نداشت قابل دفاع به نظر می‌رسید؛ زیرا خدمات عمدتاً شامل مواردی همچون برقراری امنیت داخلی و خارجی و ارتش و گسترش عدالت می‌شد و با گسترش حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قوانین اساسی و عادی کشورها، توسعه تشکیلات اداری برای ایفای این حقوق، تشکیل دولت‌های رفاه و گسترش خدمات عمومی به ویژه خدمات صنعتی و بازرگانی، وضعیت یادشده کاملاً دگرگون شده، هرچند با توجه به اینکه هدف اعمال اشخاص عمومی برخلاف اشخاص خصوصی، نه کسب درآمد و سودجویی بلکه، تأمین منافع عمومی و نیازهای همگانی است، یکی از ویژگی‌های خدمات عمومی، ارزانی بهای آن‌ها نسبت به خدمات خصوصی است و در کشور ما نیز همچون دیگر کشورها، اصل رایگان بودن خدمات عمومی تخصیص اکثر خورده و بسیاری از خدمات عمومی اداری در ازاء بها صورت می‌گیرد (عباسی، ۱۳۹۳، ۲۰۲). برخی با استناد به مخالفت اخذ هزینه دادرسی با اصل تساوی مردم در برابر دادگاه‌ها (اصل ۳۴ قانون اساسی)، طرفین دعوا را اصولاً معاف از پرداخت هزینه‌های دادرسی دانسته‌اند (صدرزاده افشار، ۱۳۸۰، ۳۶۸). و در همین جهت، برخی دیگر، با اتکا به اصل دسترسی به دادگستری، رایگان بودن دادرسی یا یارانه‌محور بودن آن را، یکی از ارکان تحقق دسترسی به دادگستری و عدالت شمرده‌اند (حبیبی، ۱۳۹۲، ۱۴۹). بعضی نیز معتقدند: «بر اساس مقررات شرعی و احکام فقهی، قضاوت یک

وجوب شرعی است که نمی‌توان برای آن حق‌الزحمه گرفت و از نظر عرفی نیز با توجه به اینکه دولت از مردم مالیات می‌گیرد تا به آن‌ها خدمات بدهد اساساً نباید در قبال فصل خصومت، هزینه‌ای را بر طرفین دعوا تحمیل کند بنابراین می‌توان گفت اصل بر مجانی بودن دادرسی است اما قوانین موضوعه ظاهراً اصل را بر مجانی نبودن دادرسی قرار داده‌اند» (زراعت، ۱۳۸۹، ۹۶۹). در این مبحث به بررسی مؤلفه‌ها و اصولی پرداخته می‌شود که بر عنصر اقتصادی کیفیت آیین دادرسی مدنی دلالت داشته و توجه به این اصول و مؤلفه‌ها در تحقق کیفیت دادرسی مدنی تأثیرگذار است.

۵-۲-۱. اصل تخصیص عقلایی

با دقت در فرآیند دادرسی و شاخص‌های کیفیت و کارآمدی آن، به نظر، می‌توان از اصلی به نام «اصل تخصیص، معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی» سخن گفت. تخصیص به معنای تعیین شیوه، میزان و شخص تحمل‌کننده هزینه‌های دادرسی مدنی است. تخصیص هزینه‌های دادرسی مدنی را می‌توان به دو نوع تخصیص اولیه و تخصیص ثانویه منقسم نمود. تخصیص اولیه توسط مقنن صورت گرفته، اما تخصیص ثانویه، بر اساس قرارداد خصوصی اصحاب دعوا یا تشخیص دادرس در جریان دادرسی مدنی است.

تشکیلات نظام قضایی که دارای قواعد حقوقی اتلاف‌کننده هزینه‌های مراجعه‌کنندگان است، فرسنگ‌ها از مقتضیات عادلانه و مشروع بودن

دادرسی فاصله دارد» (غمامی و محسنی، ۱۳۸۵، ۲۸۶). خواهانی که با صرف هزینه‌های گزاف، و اطلاع دادرسی، به رأی قطعی لازم‌الاجرا دست‌یافته، و اکنون به پیمودن مرحله اجرا هدایت می‌شود، قطعاً در مقام سنجش سود و زیان خویش از دادرسی پشت سر گزارده شده، تناسب ارزش به دست آمده از دادرسی با هزینه‌های آن را، معقول و متعارف و یا نامعقول و نامتعارف ارزیابی خواهد نمود، که همین نقطه، مرکز ثقل اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی را نشانه گرفته است.

سخنی که یکی از حقوقدانان، سال‌ها پیش، بر قلم جاری ساخته، به نظر، اینک می‌تواند مصادیق عینی‌تری داشته باشد. وی معتقد بود: «مخارجی که اصول محاکمات بر مراجعه‌کنندگان تحمیل کرده است از قبیل مخارج محاکمه و مخارج دفتر و حق‌الزحمه وکیل و غیر اینها، بسا اتفاق می‌افتد مستوجب مدعی‌له و یا از آن هم زیاده‌تر باشد» (بروجردی عبده، ۱۳۹۷، ۸).

در واقع، در صورتی که میان ارزش رأی مأخوذه از یک دادرسی مدنی و نتیجه حاصله از آن برای طرفین دعوی مدنی، تناسبی دیده نشود باید در کارایی عدالت آئینی تردید نمود. چنانکه در بررسی‌های اقتصاد حقوق، از جمله، تعبیری همچون «ریسک سرمایه‌گذاری در دعوا»، «بازار مرافعات و دعاوی»، «سیستم هزینه - فایده» و... به وفور مشاهده می‌شود که از جمله نمودها و آثار آن را در این بخش می‌بینیم، زیرا با عنایت به این انتظارات، ضروری است میان هزینه‌های دادرسی

متحملة و ارزش به دست آمده از دادرسی، همخوانی معقول و متعارفی وجود داشته باشد.

به تعبیری دیگر، قواعد دادرسی مدنی و از جمله مقررات مرتبط با هزینه‌های دادرسی، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین کشف حقیقت و فصل خصومت، موجب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان شهروندان به دادگستری به عنوان خدمتی عمومی شود. البته منظور، تشویق به طرح دعوی نیست، بلکه سخن آنجاست که به هنگام ضرورت طرح دعوی، نتیجه حاصله از آن با لحاظ زمان و هزینه‌های صرف شده، نامعقول و نامتعارف جلوه نکند. از همین محمل است که انتقادات به تعیین و یا افزایش بی‌ملاک و معیار هزینه‌های دادرسی، رخ می‌نماید، که در جای دیگری مفصلاً بدان پرداخته‌ایم (عارفعلی، ۱۳۹۴، ۵۸-۲۸). به نظر می‌رسد، اولاً اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی را باید حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه‌بر بودن» دادرسی دانست تا چنانکه گفته شد در عین ممانعت از طرح دعاوی واهی و بی‌بنیان یا ایدایی، اسباب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان به خدمت عمومی دادرسی را فراهم نماید؛ ثانیاً مطابق این اصل، هزینه‌های ناشی از دادرسی نیز می‌باید حداقل کمتر از خواسته موضوع دعوا و منفعت مورد انتظار از آن باشد تا توجیه‌پذیری طرح دعوی را سبب، و در عین حال مانع جدی جهت حق‌گذاری به شمار نیاید. در کنار این امور، نظارت لازمه چه در عرصه تقنینی و چه قضایی، بر نحوه عمل دادرسان از حیث هزینه‌زا بودن اقدامات آن‌ها نیز ضروری است.

چنانکه در سیستم رایگان دادرسی مدنی فرانسه نیز می‌بینیم ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی این کشور مقرر داشته: «دادرس باید در انتخاب خود از بین ترتیبات تحقیقی که برای حل و فصل اختلاف کافی‌اند، آنچه را که ساده‌تر و کم هزینه‌تر است برگزیند» (محسنی، ۱۳۹۱، ۱۲۹).

در بند ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹، دادرسی، اعم از کیفری یا مدنی، در شوراهای حل اختلاف، جهت ترغیب مردم به مراجعه به آن، رایگان بود اما در سال ۱۳۸۵ مبلغ ۱۰ هزار ریال به عنوان هزینه دادرسی مستند به بند ج تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۵ دریافت می‌شد که در سال ۱۳۸۹ به استناد بنده تبصره ۱۸ قانون بودجه ۱۳۸۹ به ۲۰ هزار ریال افزایش یافت و نهایتاً مطابق قوانین بعدی شوراها در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۵ و لایحه ۱۳۹۹ هزینه‌های دادرسی مقرر اخذ می‌شود.

۵-۲-۲. انتقال هزینه دادرسی

انتقال هزینه دادرسی به دو صورت قانونی و قراردادی ممکن است انجام شود. در انتقال‌پذیری قانونی، مقنن از شخص مستحق معاضدت قضایی، به نحو کامل یا ناقص، حمایت حقوقی نموده و خدماتی نظیر دارا بودن وکیل را ارائه می‌نماید. هرچند اصل اولیه در نظام دادرسی مدنی ایران، الزام همگان به پرداخت هزینه دادرسی مدنی است اما نمی‌توان، تنها به دلیل عدم توانایی مالی خواهان

دعوی، دادرسی به وی را تعطیل نمود و بدین طریق او را محروم از دسترسی به دادگستری و خدمت عمومی و دولتی دادرسی دانست. بر همین مبناست که مقنن ایرانی، هم در قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ از مواد ۲ الی ۱۹ و هم در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ در مواد ۶۹۳ الی ۷۰۸، و هم در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، این رویه را همچنان ادامه داده و فصل دوم از باب هشتم قانون اخیر تحت عنوان «اعسار از هزینه دادرسی» از مواد ۵۰۴ لغایت ۵۱۴، به بیان احکام این امر اختصاص یافته است. قانون‌گذار همواره به این امر توجه داشته که ضعف اقتصادی خواهان، به شرط طرح دعوی اعسار و اثبات آن، مانع حق‌گذاری و دادرسی نباشد، تا همگان به آسانی به دادگستری دسترسی یابند (اصل ۳۴ قانون اساسی)؛ هرچند انتقادات فراوانی بر شیوه و آثار طرح دعوای اعسار از هزینه دادرسی مدنی وارد است، و نقش بی‌بدیل و بی‌همتای آن! در اطاله دادرسی و تأخیر در احقاق حق و نهایتاً تبدیل رأی دادگاه به نوشدارویی پس از مرگ سهراب!! از نگاه اهل فن پوشیده نبوده، اما به نظر، پیش‌بینی و حمایت از بیمه‌های دادخواهی در نظام حقوقی ایران، از جمله راهکارهای جلوگیری از طرح نابجای دعوای اعسار و سوءاستفاده از نهاد مزبور است که مجال بررسی آن نیز در این نوشتار نیست.

علی‌ایحال، ماده ۵۰۴ ق.آ.د.م مقرر داشته است: «معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه

عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تأدیه آن نیست».

بدیهی است که امتیاز اعطا شده به معسر، دائمی نبوده و صبغه موقتی خواهد داشت زیرا ماده ۵۱۳ مقرر نموده است: «پس از اثبات اعسار، معسر می‌تواند از مزایای زیر استفاده نماید: ۱- معافیت موقت از تأدیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی در مورد دعوایی که برای معافیت از هزینه آن ادعای اعسار شده است. ۲- حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله». چنانکه ماده ۵۱۴ ق.آ.د.م نیز پیرو آن بیان می‌نماید: «هرگاه معسر به تأدیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی متمکن گردد، ملزم به تأدیه آن خواهد بود. همچنین اگر با درآمدهای خود بتواند تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی را بپردازد دادگاه با در نظر گرفتن مبلغ هزینه دادرسی و میزان درآمد وی و هزینه‌های ضروری زندگی مقدار و مدت پرداخت هزینه دادرسی را تعیین خواهد کرد». ضمن آنکه «هرگاه مدعی اعسار در دعوای اصلی محکوم‌له واقع شود و از اعسار خارج گردد، هزینه دادرسی از او دریافت خواهد شد» (ماده ۵۱۱ ق.آ.د.م). از سوی دیگر ماده پنج قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۱ مقرر داشته است: «در صورت عدم تمکن مالی هر یک از اصحاب دعوی دادگاه می‌تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داوری و سایر هزینه‌ها معاف یا پرداخت آن‌ها را به زمان اجرای حکم موکول کند. همچنین در صورت اقتضاء

ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می‌کند. تبصره: «افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند». که البته تبصره آن با تصویب ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۵۰۵ ق.آ.د.م ۱۳۷۹ مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ و قانون تفسیری مصوب ۱۳۹۶/۸/۳ عمومیت یافته و شامل همه دعاوی مطروحه از ناحیه اشخاص مزبور، چه در دادگاه‌ها و چه در شوراهای حل اختلاف، گردید. در ماده واحده این طرح آمده است: «تبصره: افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان مستمری‌بگیر سازمان بهزیستی کشور با ارائه کارت مددجویی و تأییدیه رسمی مراجع مزبور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند». در موضوع استفساریه نیز آمده است: «آیا حکم موضوع تبصره ذیل ماده ۵۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی شامل هزینه‌های رسیدگی در شوراهای حل اختلاف نیز می‌گردد یا خیر؟ پاسخ: بله. حکم موضوع تبصره ذیل ماده ۵۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی شامل هزینه‌های رسیدگی در شوراهای حل اختلاف نیز می‌گردد».

شایان ذکر است که، در هر دو گونه مذکور، معافیت تنها شامل اشخاص حقیقی است و نه نهادهای مندرج در قانون مزبور لذا انتقال هزینه فردی دادرسی به ذمه دولت را می‌توان از نمودهای انتقال‌پذیری قانونی هزینه‌ها شمرد.

نوع دیگر انتقال‌پذیری قانونی هزینه‌های مرتبط با ضمانت اجرای مقررات دادرسی است که از جمله آن‌ها می‌توان به طرح دعاوی غیرموجه همچون دعاوی واهی یا ایدائی، دعاوی مبتنی بر تبانی، عدم طرح دعوا در دعاوی با رویکرد اجتماعی مانند دعاوی ورشکستگی یا مسکوت گزاردن دعوا و عدم شرکت تعمدی در جلسات دادرسی اشاره داشت (حبیبی، ۱۳۹۲، ۲۳۱). در حقوق دادرسی مدنی ایران، می‌توان تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی را شاهد آورد.

در انتقال‌پذیری قراردادی، مطابق اصل آزادی قراردادی و اصل حاکمیت اصحاب دعاوی مدنی، باید قائل به امکان قرارداد راجع به هزینه‌های دادرسی مدنی بود که طی آن طرفین در زمینه میزان، شیوه و مسئول جبران هزینه‌های دادرسی، توافق می‌نمایند. در حقوق دادرسی مدنی ایران، قسمت اخیر ماده ۵۱۵ و ماده ۵۱۷ ق.آ.د.م، به عنوان مبنای قانونی پذیرش قرارداد تخصیص هزینه‌های دادرسی مدنی است.

۵-۲-۳. مسئول تأمین هزینه دادرسی

شخص بازنده دعوی مدنی، مسئول جبران تمامی هزینه‌های صرف شده از سوی طرف برنده خواهد بود (اعم از آنکه بازنده، خواهان یا خوانده دعوی باشد). این قاعده، مورد عمل در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا است (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶، ۱۵۹). برای نمونه، در قسمت دوم بند ۳ ماده ۴۴ قواعد دادرسی مدنی انگلستان مصوب ۱۹۹۸ بر تحمل هزینه توسط محکوم علیه تأکید شده است

(حبیبی، ۱۳۹۲، ۲۲۸). حقوق دادرسی مدنی ایران را نیز می‌توان نمونه‌ای از وجود چنین نظامی شمرد. ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مبنای قانونی نظام مورد پذیرش در حقوق ایران است، که «محکوم علیه» را مسئول پرداخت خسارات دادرسی و از جمله، هزینه‌های دادرسی مدنی معرفی نموده است. در این ماده می‌خوانیم: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به ادعای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خوانده مطالبه نماید. خوانده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یاد شده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود».

۵-۳. رویکرد فقه

فقها دادرسی را از بزرگترین و مهمترین مصالح مسلمین می‌دانند (نجفی، بی‌تا، ۲۲، ۱۲۲). بر همین پایه است و اما درباره دادرسی بین مردم... به تحقیق دریافت عوض در برابر آن به هیچ‌وجه روا

نیست، هر چند دادرسی واجب عینی باشد یا واجب کفایی، ... و هر چند عوض از طرفین یا از یکی آنان و یا از دیگری دریافت شود، زیرا دادرسی از مناصب حاکم اسلامی است، حاکمی که خداوند متعال او را چنین امر کرده که؛ بگو من از شما هیچ مزدی به ازای آن ارسالت خواستار نیستم» [و أما القضاء بین الناس، و التحقيق عدم جواز أخذ العوض عنه مطلقاً، عینیا کان علیه أو کفائياً... من المتحاكمین أو أحدهما أو أجنبی، لأنه من مناصب السلطان، الذی أمر الله تعالی بأن یقول: قل لا أسألكم علیه أجراً] (انعام/۹۰؛ شوری/۲۳).

در هر چند اجرت عمل قضاوت بر عهده بیت‌المال دانسته شده اما نباید آن را با پرداخت هزینه‌های تهیه اوراق و قلم و جوهر جهت درج رأی یا کتابت اظهارات طرفین و گواهان، که در برخی متون فقهی مورد تأیید قرار گرفته و منع نشده یکسان پنداشت (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۶۱؛ تبریزی، بی‌تا، ۱۱۰؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۹۳ و ۹۴). یکی از نویسندگان حقوقی نیز، از جمله مسائل مطروحه برای گذشتگان را این دانسته که «دولت باید علاوه بر حقوق قاضی مقداری اضافه بابت تهیه کاغذ و مرکب و قلم برای نوشتن محضرها و سجلات بدهد تا او از آن محل، این اوراق و لوازم را خریده و مصرف کند. اگر چنین پولی به او ندهند هر یک از اصحاب دعوی که ذینفع در تهیه محاضر و سجلات است باید آن هزینه را بدهد. اگر ندهد قاضی می‌تواند در صورت لزوم (مانند ضبط گواهی گواهان) از رسیدگی، امتناع کند و بگوید که من نمی‌توانم به شهادت شهود تو بدون اینکه کاغذی

باشد و بتوانم آن را بنویسم گوش دهم زیرا اظهارات گواهان غالباً مفصل است و من موقع صدور حکم، به همه آن اظهارات نیاز دارم و نمی‌توانم همه را به خاطر بسپارم و در نتیجه در صدور حکم دچار اشتباه خواهم شد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۰۵۲). برخی از معاصرین نیز، ضمن متابعت از نظر مشهور فقها مبنی بر عدم جواز اخذ اجرت یا جعل از یک طرف یا طرفین دعوی، و جواز مطلق ارتزاق قاضی از بیت‌المال، معتقدند: «آنچه امروزه متداول است، دریافت مبلغی به اسم رسوم القضا است، به این ترتیب که اگر مدعی از پرداخت آن خودداری کرد محکمه از ورود در دعوی خودداری می‌کند. بعضی‌ها به جواز آن نظر داده‌اند و دلیل آن این است که این مال در مقابل عمل قضاوت قرار نمی‌گیرد چراکه نفس عمل قضاوت واجب است، بلکه آن در قبال اعمال دیگری که با قضاوت ملازمه دارند نظیر تسجیل و ثبت و تحقیقات است، زیرا اعلام نظر قضایی در چنین حالاتی مستلزم اعمالی خارج از طبیعت قضاوت است، پس این مال برای آن‌ها اخذ می‌شود... و از اینجا معلوم می‌شود که چنین اعمالی مجانی محقق نمی‌شود...» (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸، ۱۶۰).

هر چند در تحلیل مبانی حاکم بر اخذ هزینه دادرسی مدنی از کسب درآمد و تأمین هزینه‌های اداری، کنترل فراوانی دعاوی، منع طرح دعاوی واهی و بی‌بنیان یا ایذایی، و توسعه طرق جایگزین دادرسی دولتی یا عمومی همچون داوری یا سازش نام برده شده (عارفعلی، ۱۳۹۴، ۵۸-۴۱)، اما باید در نظر داشت که هزینه دادرسی مدنی از جمله

پیوندهای مستحکم میان حقوق و اقتصاد بوده و به عنوان یکی از شاخص‌های کنترل و سنجش کیفیت و کارآمدی نظام عدالت آیینی، جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوق اقتصادی خواهد داشت (شاول، ۱۳۸۸، ۴۵۱ به بعد؛ الماسی و درگاهی، ۱۳۹۱، ۵۴؛ محسنی، ۱۳۸۹، ۲۸۳ به بعد؛ دادگر و اخوان هزاه، ۱۳۸۸، ۵۴۴)، لذا اخذ آن همواره باید در چارچوبی نظام‌مند و با رعایت اصولی به عمل آید که کمتر در میان نویسندگان حوزه حقوق دادرسی مدنی مورد توجه واقع شده است.

فقه‌های متقدم، متأخر و معاصر هیچ تردیدی در حرام بودن پرداخت عوض به حکومت (بیت‌المال) یا شخص قاضی نکرده‌اند و تنها در این اختلاف دارند که آیا قاضی می‌تواند از بیت‌المال و نه از اصحاب دعوی ارتزاق کند یا خیر؟ (طوسی، ۱۳۸۷، ۸، ۱۶۰).

در راستای بررسی رویکرد، فقه، تلاش شده بر مبنای قاعده فقهی حرمت اخذ اجرت بر واجبات به بررسی دیدگاه‌های مخالف و موافق پرداخته شود. به موجب قاعده مورد اشاره، که قول مشهور فقه‌های امامیه نیز می‌باشد، هر آن چیزی که فعلش بر مکلف واجب است، اکتساب به آن نیز حرام است؛ چه واجب عینی باشد یا کفایی، یا تعبدی یا توصیلی (علامه حلی، ۱۴۱۱، ۲۳۴؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴، ۹؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ب، ۸۹؛ انصاری، ۱۳۷۲، ۱۸۴). لذا کسب و درآمد به وسیله اعمال واجب، به هر عنوانی محکوم به حرمت است؛ چه در ضمن عقد لازم باشد، چه در ضمن عقد صلح و چه در ضمن عقد جعاله (موسوی بجنوردی،

۱۳۸۸، ۱۵۸). عمده دلیل قائلین به نظریه مشهور، منافات اخذ اجرت با اخلاص و قصد قربت در کارهای واجب است (حائری شاه باغ، بی‌تا، ۵۵)، که نقد و بررسی آن خارج از حوصله و موضوع این مقال خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸، ۱۵۷ به بعد؛ چوپان پسندآباد، ۱۳۷۶، ۹۵ به بعد؛ فخلعی و شیخی، ۱۳۹۰، ۲۵ به بعد). در خصوص یکی از مصادیق قاعده مزبور، یعنی امر قضاوت و دادرسی در اسلام، به عنوان یکی از واجبات (کفایی برای افراد دارای صلاحیت، و در صورت عدم قیام آن‌ها، عینی) (سنگلجی، ۱۳۸۱، ۲۶)، مناقشه فراوانی ملاحظه می‌گردد.

۵-۳-۱. پرداخت هزینه دادرسی از بیت‌المال

برخی معتقدند هنگامی که قضاوت بر شخصی واجب عینی شده باشد باید بین قاضی فقیر و غنی در ارتزاق از بیت‌المال قائل به تفکیک شد؛ اولی مجاز و دومی غیرمجاز است (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۶۹؛ سنگلجی، ۱۳۸۱، ۳۰)، چنانکه گفته‌اند: «کسانی چون قاضی که حرام است در مقابل انجام واجبات، اجرت دریافت کنند، می‌توانند از بیت‌المال ارتزاق کنند... و فرقی هم نمی‌کند که از اجرت‌المثل کمتر باشد یا بیشتر، چون ارتزاق است و اجرت نیست اما فرد مذکور باید محتاج به ارتزاق از بیت‌المال باشد و اگر بی‌نیاز باشد ارتزاق از بیت‌المال بر او حرام است... زیرا بیت‌المال برای مصالح مسلمین مهیا گشته و این موارد از جمله مصالح مسلمین است و نفع این اعمال به آن‌ها بازمی‌گردد» (خوبی، ۱۴۱۲، ۲۱۰).

گروه دیگری از فقها نیز با استناد به سیره پیامبر و محل مصرف بیت‌المال، قائل به حلیت و جواز مطلق ارتزاق قاضی از بیت‌المال مسلمین، حتی در صورت عدم نیاز وی شده‌اند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲۱۷؛ محقق سبزواری، بی‌تا، ۲۶۲؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸، ۱۶۰). چراکه دادرسی از اعاضم و اهم مصالح مسلمین است (سنگلجی، ۱۳۸۱، ۳۰). که انتظام جامعه اسلامی بر مبنای آن نهاده شده (طباطبایی، ۱۴۲۳، ۴۴۱). و بیت‌المال اساساً آمادگی برای مصالح مسلمین دارد (گلپایگانی، ۱۴۰۱، ۹۳).

با عنایت به موارد فوق، با پیروی از نظر مشهور، ارتزاق قاضی از بیت‌المال، اعم از نیاز یا عدم نیاز وی به آن، به جهت انجام عملی که منفعت حاصل از آن به مسلمین باز می‌گردد، مجاز و فاقد ممنوعیت شرعی است.

۵-۳-۲. پرداخت هزینه دادرسی از سوی

طرفین دعوا

مشهور فقهای امامیه، قائل به منع اخذ اجرت بر قضاوت شده‌اند و ادله آن را نیز اجماع فقهای امامیه (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳۶)، تعلق عنوان رشوه به آن، قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات، و نیز اولویت نسبت به حرمت اخذ هدیه توسط قاضی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ۲۱۱-۲۱۰؛ انصاری، ۱۳۷۲، ۱۹۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۷۱). بر شمرده‌اند. برخی فقها نیز آورده‌اند: «... درباره قضاوت میان مردم... به تحقیق، اخذ عوض در برابر آن، مطلقاً جایز نیست؛ خواه قضاوت، واجب عینی باشد یا کفایی...»

و خواه از طرفین، یا یکی از آنان و یا از ثالث... دریافت شود، زیرا دادرسی از مناصب حاکم اسلامی است، حاکمی که خداوند متعال به او چنین امر کرده: "بگو من از شما هیچ مزدی به ازای آن ارسال خواستار نیستم" (نجفی، ۱۳۶۸، ۱۲۲). برخی فقها نیز قائل به جواز اخذ اجرت توسط قاضی از متحاکمین شده‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۵۸۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۴۶) که در مقام تعلیل آن، به اصل حلیت (اصاله الاباحه) و منع هدر رفتن حرمت عمل مسلمان اشاره می‌شود (خویی، ۱۴۱۲، ۲۶۶). با توجه به ادله وارده، با پیروی از نظر مشهور، اخذ هرگونه وجهی از سوی دادرس به عنوان معوض عمل قضاوت، فاقد مجوز شرعی خواهد بود.

چنانکه دیدیم در فقه امامیه، دریافت وجه تحت عنوان «اجرت» توسط قاضی برای انجام امر واجب قضاوت، حرام و آنگاه که از اصحاب دعوی اخذ شود تحت عنوان «رشوه» نیز تلقی گردیده است، اما در عین حال، ارتزاق قاضی از بیت‌المال جهت معیشت، بنا به اتفاق فقهاء جایز است. با این حال تتبع در فقه امامیه، نشان می‌دهد که دریافت وجوه از سوی قاضی تحت عناوین دیگری، همچون کتابت، و لوازم آن چون کاغذ و جوهر و... جهت دادرسی میان اصحاب دعوا، به واسطه خارج بودن آن‌ها از امر قضا یا مقدمات آن، مجاز شمرده شده است. از جمله گفته شده که هزینه حضور طرف دعوا نزد قاضی با شخصی است که طرح دعوا نموده و آن را درخواست کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ۱۳۵). اگر در بیت‌المال کاغذی که در آن حکم را مکتوب کنند وجود نداشته باشد، قاضی از کسی که قرار

است برای او حقی را ثبت و ضبط کنند، می‌خواهد که کاغذی برای این کار تهیه نماید ولی او را اجبار نمی‌کند (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۶۱). اگر محکوم‌له از قاضی درخواست کند که حکم را بنویسند، قاضی می‌تواند از او اجرت و هزینه بگیرد و این‌گونه نیست که به دلیل وجوب ثبت حکم، اخذ اجرت برای آن ممنوع باشد (تبریزی، بی‌تا، ۱۱۰). ضمن آنکه در حین دادرسی نیز می‌توان هزینه مواد و کاغذ را اخذ کرد (موسوی خمینی، بی‌تا، ۴۱۶). از سوی دیگر برخی فقها نیز معتقدند پرداخت هزینه دادرسی، حداقل در جایی که موضوع آن، به نفع شخص است، با خود اوست و اگر در مورد مذکور، کاغذ یا جوهر تهیه نکند، اظهارات شهود و سایر امور مانند تسلیم حکم ثبت نمی‌شود (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، الف، ۹۳ و ۹۴). یکی از نویسندگان حقوقی نیز، از جمله مسائل مطروحه برای گذشتگان را این دانسته که «دولت باید علاوه بر حقوق قاضی مقداری اضافه بابت تهیه کاغذ و مرکب و قلم برای نوشتن محضرها و سجلات بدهد تا او از آن محل، این اوراق و لوازم را خریده و مصرف کند. اگر چنین پولی به او ندهند هر یک از اصحاب دعوی که ذینفع در تهیه محاضر و سجلات است باید آن هزینه را بدهد. اگر ندهد قاضی می‌تواند در صورت لزوم (مانند ضبط گواهی گواهان) از رسیدگی، امتناع کند و بگوید که من نمی‌توانم به شهادت شهود تو بدون اینکه کاغذی باشد و بتوانم آن را بنویسم گوش دهم زیرا اظهارات گواهان غالباً مفصل است و من موقع صدور حکم، به همه آن اظهارات نیاز دارم و نمی‌توانم همه را به خاطر بسپارم و در نتیجه

در صدور حکم دچار اشتباه خواهم شد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۰۵۲). برخی از معاصرین نیز، ضمن متابعت از نظر مشهور فقها مبنی بر عدم جواز اخذ اجرت یا جعل از یک‌طرف یا طرفین دعوی، و جواز مطلق ارتزاق قاضی از بیت‌المال، معتقدند: «آنچه امروزه متداول است، دریافت مبلغی به اسم رسوم القضا است، به این ترتیب که اگر مدعی از پرداخت آن خودداری کرد محکمه از ورود در دعوی خودداری می‌کند. بعضی‌ها به جواز آن نظر داده‌اند و دلیل آن این است که این مال در مقابل عمل قضاوت قرار نمی‌گیرد چراکه نفس عمل قضاوت واجب است، بلکه آن در قبال اعمال دیگری که با قضاوت ملازمه دارند نظیر تسجیل و ثبت و تحقیقات است، زیرا اعلام نظر قضایی در چنین حالاتی مستلزم اعمالی خارج از طبیعت قضاوت است، پس این مال برای آن‌ها اخذ می‌شود... و از اینجا معلوم می‌شود که چنین اعمالی مجانی محقق نمی‌شود...» (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸، ۱۶۰).

از ملاحظه مجموع سوابق مورد اشاره، چنین به دست می‌آید که در متون فقهی، تفکیکی آشکار میان اجرت عمل قضاوت و هزینه‌های ملازم با دادرسی قائل بوده‌اند به این نحو که: اولاً اخذ اجرت عمل قضاوت، حرام؛ اما ارتزاق قاضی از بیت‌المال، ولو نیازمند آن نباشد و اگرچه بیشتر از اجرت‌المثل عمل او باشد، جایز و مشروع است. ثانیاً اخذ هرگونه وجهی توسط قاضی، به عنوان اجرت عمل قضاوت و معوض آن، از اصحاب دعوی نیز، ممنوع است. ثالثاً هزینه انجام مقدمات لازم جهت دادرسی و قضاوت (کشف حقیقت و فصل خصومت) همچون

هزینه اوراق مورد نیاز، رجوع به خبره یا تحقیق و معاینه محلی و ایاب و ذهاب گواهان و... غیر از اجرت قضاوت بوده و اخذ آن مجاز است. بنا به مراتب فوق، شاید توجه به همین سوابق فقهی بوده باشد که قوانین مصوب پس از انقلاب نیز، از جمله، قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، با عنایت به ضرورت «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام توسط شورای نگهبان» (اصل ۹۶ قانون اساسی)، همواره به تأیید این شورا رسیده و می‌رسد.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت؛ دادرسی صحیح و عادلانه در گرو معقول و متعارف نمودن هزینه‌های دادرسی می‌باشد. هرچند که ابزارهایی از قبیل «پذیرش اعسار»، «بهره‌مندی از خدمات وکیل معاضدتی»، «امکان دستیابی به خسارات قانونی و قراردادی» در مسیر «تحمل هزینه‌های دادرسی» قابل مثال و تأمل است. لکن تحلیل اقتصادی به دنبال بهینه‌سازی منطقی هزینه‌های دادرسی به منظور ارتقای کیفیت دادرسی است. توجه به وضعیت اقتصادی اصحاب دعوا و سنجش طرف قوی با طرف ضعیف دعوا مورد توجه عدالت آیینی نیز می‌باشد. چه اینکه هزینه‌های دادرسی می‌تواند موجبات ترک دعوا، پذیرش اکراه‌آمیز سازش و... را پدید آورد (الماسی و درگاهی، ۱۳۹۱، ۶۳).

قانون‌گذار ایرانی می‌تواند با الگوگیری از اصول و قواعد فراملی به ایجاد تناسب در هزینه‌های دادرسی با وضعیت اقتصادی و سایر عوامل کمک کند. تلاش در جهت استفاده از سازش برای حل و فصل اختلافات (اصل ۲۴-۳ اصول و قواعد فراملی) و نیز منع یا محدود کردن میزان خسارات پرداختی در صورت وجود جهات روشن (اصل ۲-۲۵) از همین موارد است (اسماعیل عبادی، ۱۳۸۵، ۴۳). تنقیح قوانین مرحله‌ای بعد از تدوین قوانین می‌باشد (قره‌باغی و شاملو، ۱۳۸۶، ۳۸). و به معنی تعیین ربط مقررات مختلف با یکدیگر از هر جهت و گردآوری مقررات به سبک علمی است. در تعریف دیگری تنقیح قوانین عبارت از فرآیند گزینش و تنظیم نظام‌مند و هدفدار قوانین و مقررات ذکر شده است (کریمی، ۱۳۸۶، ۷۶)، از جمله فواید تنقیح قوانین سهولت دستیابی به قوانین، اطلاع دقیق شهروندان از قوانین (برایبانت، ۱۹۹۶، ۶۱)، تصریح به روابط بین قوانین، تضمین عدالت، ذخیره زمانی و ساماندهی امور تلقی می‌شود. بنا به برداشت از قانون تدوین و تنقیح قوانین کشور ۱۳۸۹، هدف از تنقیح طبقه‌بندی قوانین و ارتباط‌گزینی بین آن‌ها است. طبقه‌بندی قوانین نیز مفهومی غیر از ایجاد سامانه قوانین جامع ندارد که ممکن است به چهار صورت طبقه‌بندی سازمانی، موضوعی، ریشه‌ای و زمانی انجام پذیرد. اگرچه که طبقه‌بندی موضوعی مورد تأکید و ارجحیت قانون‌گذار ایران و دکترین حقوقی می‌باشد؛ لکن

^۱ در بند ۱-۱ از قسمت ماده ۳ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، به تنقیح موضوعی قوانین اشاره شده است.

و ممانعت از طرح دعاوی واهی و بی‌بنیان یا ایدایی، حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه‌بر بودن» دادرسی، با رعایت اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی تأمین‌شده و موجب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان شهروندان به دادگستری به عنوان خدمتی عمومی شود.

۷. سهم نویسندگان

نگارش و تألیف: محمد جواد روحیان و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر نگارش مقاله: دکتر محمود قیوم‌زاده و دکتر سید ابراهیم حسینی.

۸. تعارض منافع

در این مقاله تعارض منافع وجود ندارد.

به نظر می‌رسد مهمترین اثر اقتصادی تنقیح قوانین، ذخیره زمانی در دستیابی سریع، مطمئن و معقول به قوانین قلمداد می‌شود. اثر دیگر تنقیح قوانین می‌تواند ثبات‌پذیری و قطعیت نظام تقنینی محاجه شود.

۶. نتیجه

نتایج مقاله بر صحت فرضیه مطرح‌شده دلالت داشته و نشان می‌دهد هزینه دادرسی مدنی از جمله پیوندهای مستحکم میان حقوق و اقتصاد و به عنوان یکی از شاخص‌های کنترل و سنجش کیفیت و کارآمدی نظام عدالت آیینی، جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوق اقتصادی دارد. فلذا اخذ آن همواره باید در چارچوبی نظام‌مند و با رعایت اصولی به عمل آید که عبارت‌اند از: اصل تخصیص عقلایی، اصل انتقال‌پذیری، و اصل معقول و متعارف بودن. در فقه بحث هزینه‌های دادرسی در راستای تحقق کیفیت دادرسی مدنی و دادرسی عادلانه مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. در ارتباط با اصل معقول و متعارف بودن هزینه دادرسی مدنی به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت و کارآمدی دادرسی، قواعد دادرسی مدنی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین کشف حقیقت و فصل خصومت، نتیجه حاصله از آن با لحاظ زمان و هزینه‌های صرف شده، نامعقول و نامتعارف جلوه نکند. چراکه، اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی را باید حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه‌بر بودن» دادرسی دانست که در عین کشف حقیقت و فصل خصومت،

منابع

- ابن ادریس، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، السرائر، جلد دوم، بی‌جا، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۰.
- ابن براج، سعدالدین ابوالقاسم عبدالعزیز، المذهب، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶.
- ابهری، حمید، آیین دادرسی مدنی (۳)، چاپ اول، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۹۳.
- احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم، انتشارات اطلس، ۱۳۷۷.
- اسماعیل عبادی، محمد، «علل اطاله دادرسی و راه‌های جلوگیری از آن»، ماهنامه قضاوت، شماره سی و هشت، ۱۳۸۵.
- افشارنیا، طیب، حجت، مبین، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- الماسی، نجادعلی، درگاهی، بهنام، «درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرایند دادرسی کارآمد»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره پنجاه و هشت، ۱۳۹۱.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، جلد اول، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۲.
- بروجردی عبده، محمد، اصول محاکمات حقوقی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
- پوراستاد، مجید، سعادت، مهسا، «اصل تناسب در آیین دادرسی مدنی»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره سی و پنج، ۱۳۹۶.
- تبریزی، جواد، أسس القضاء و الشهاده، قم، بی‌نا، بی‌تا.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف علوم اسلامی - قضایی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- چوپان پسندآباد، محمد، «قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات»، مجله مطالعات اسلامی، شماره سی و هفت و سی و هشت، ۱۳۷۶.
- حائری شاه باغ، سید علی، شرح قانون مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، بی‌تا.
- حبیبی، بهنام، حقوق و اقتصاد، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه و جنگل، ۱۳۹۲.
- خدابخشی، عبدالله، حقوق دعاوی (تحلیل فقهی-حقوقی)، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- خوانساری، محمد، منطق صوری، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۶.
- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد اول، بیروت، دار الهادی، ۱۴۱۲.

- دادگر، یدالله، اخوان هزاوه، حامده، حقوق و اقتصاد، چاپ اول، تهران، انتشارات نور علم و پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸.
- زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹.
- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، با تصحیح و تعلیق محمدرضا بندرچی، چاپ اول، قزوین، انتشارات حدیث امروز، ۱۳۸۱.
- شاول، استیون، مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه محسن اسماعیلی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد چهارم، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۴.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعہ الدمشقیه، جلد سوم، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- صدرزاده افشار، سید محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سه جلد در یک مجلد، چاپ ششم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.
- طباطبایی، سید محمدکاظم، العروه الوثقی، جلد ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد هشتم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- عارفعلی، مجید، «هزینه دادرسی مدنی در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، بابلسر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ۱۳۹۴.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴.
- عباسی، بیژن، مبانی حقوق عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، «اصول تضمین‌کننده‌ی عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، فصلنامه حقوق، شماره هفتاد و چهار، ۱۳۸۵.

- فخلعی، محمدتقی، شیخی، مجیدرضا، «بررسی اشکال تخصیص ناپذیری قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات»، مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره چهار، ۱۳۹۰.
- قره‌باغی، محسن، شاملو، حبیب‌الله، «تنقیح قوانین و راهکار اجرایی آن»، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانون‌گذاری، شماره سی و هشت، ۱۳۸۶.
- کریمی، عباس، «تنقیح و طبقه‌بندی قوانین به منظور تدوین قوانین جامع»، همایش یک صدمین سال قانون‌گذاری (مجموعه مقالات)، ۱۳۸۶.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، کتاب القضاء، قم، مطبعه الخی‌ام، ۱۴۰۱.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸ الف.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸ ب.
- محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۱.
- محسنی، حسن، «عدالت آیینی، پژوهشی پیرامون نظریه‌های دادرسی عادلانه مدنی»، فصلنامه حقوق، شماره یک، ۱۳۸۹.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الازدهان، جلد هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ الف.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، جلد دوازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ب.
- محقق ثانی، علی بن حسین عاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد چهارم، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، جلد چهارم، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹.
- محقق سبزواری، محمد باقر محمد مؤمن، کفایت الاحکام، اصفهان، مرکز نشر، بی‌تا.
- مظفر، محمدرضا، منطق، ترجمه علی شیروانی، چاپ چهاردهم، قم، انتشارات دار العلم، ۱۳۸۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات نامن، ۱۳۸۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، قم، امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۶.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه القضاء، قم، منشورات مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۸.
- موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸.
- موسوی خمینی، سیدروح‌ا...، تحریرالوسیله، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه دار العلم، بی‌تا.

- مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی،
جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات فکرسازان،
۱۳۹۱.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع
الاسلام، جلد بیست و دوم، تهران، دارالکتب
الاسلامیه، ۱۳۶۸.

- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح
شرائع الاسلام، ج بیست و دوم، تهران، دارالکتب
الاسلامیه، بی تا.

منابع لاتین

- Braibant, G., "Utilité Difficultés de la Codification". Droits, No 24, 1996.
- Christopher, D., Ex Ante Selection of Disputes for Litigation, University of Kansas School of Law, 2002.